

گزارشی از توقیت‌ها در گستره تاریخ

احمد رنجیری حیدر باغی*

چکیده

از جمله آسیب‌های جدی جامعه مهدوی، تعیین وقت برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. در منابع مهدوی روایات متعددی دربارهٔ نکوهش تعیین وقت برای زمان ظهور امام مهدی علیه السلام وجود دارد. به‌رغم این روایات و لحن شدید آن‌ها، برخی از توقیت‌ها در منابع یافت می‌شود. در مقاله حاضر، پس از مفهوم‌شناسی توقیت، آثار مخطوط مرتبط با این موضوع مورد توصیف قرار گرفته و گزارشی از تعیین‌کنندگان وقت ظهور و تاریخ‌های بیان شده تهیه شده است. در میان این وقت‌گزاران، اشخاصی چون محیی‌الدین عربی، صدرالدین قونوی، خواجه نصیر طوسی، شاه نعمت‌الله ولی، علمای مجلسی، ابن حجر هیتمی، جلال‌الدین سیوطی و... دیده می‌شوند. از آثار مهم در گزارش این توقیت‌ها می‌توان به *جواهر القوانین* اشاره کرد و چندین کتاب از جهان معاصر عرب نیز گزارش شده است. بخشی از نوشتار نیز به مستندات توقیت‌کنندگان (احادیث، علوم غریبه، کشف و شهود و اشعار) اختصاص دارد. حدیث ابولیبید از امام باقر علیه السلام از مهم‌ترین دستاویزهای موقتین در میان شیعیان و احادیث مربوط به پایان جهان و هزاره‌گرایانه بن‌مایه توقیت‌ها در بین برخی از اهل سنت است. بخش دیگری از این نوشتار نیز به انگیزه توقیت‌کنندگان و مواجهه بزرگان با توقیت‌ها اختصاص دارد. از آن‌جا که مستندات تعیین‌کنندگان زمان ظهور، متقن و یقین‌آور نیستند، نمی‌توان به توقیت‌ها اعتماد کرد. در این میان نباید از آثار مخرب توقیت در دین‌گریزی و القای ناامیدی و تخریب اندیشه‌والای مهدویت غافل بود.

واژگان کلیدی

توقیت، وقّاتون، نهی از توقیت، وقت‌گزاری، جواهر القوانین، شاه نعمت‌الله ولی، محیی‌الدین عربی.

* پژوهش‌گر مباحث مهدوی (heydarbagi@yahoo.com).

مقدمه

برای هر فرهنگ و مجموعه معرفتی ممکن است آفت‌هایی روی دهد که مانع رشد و بالندگی آن فرهنگ شود. فرهنگ و جامعه مهدوی نیز گاهی به آفت‌هایی گرفتار می‌شود که حرکت رو به کمال آن را کند می‌کند. بنابر این باید آسیب‌های فرهنگ ناب مهدوی را بشناسیم. برخی از این آسیب‌ها به گونه‌ای است که غفلت از آن‌ها، موجب سستی اعتقاد مردم، به‌ویژه جوانان نسبت به اصل وجود امام مهدی علیه السلام و سبب گرایش به افراد یا مجموعه‌های منحرف می‌گردد. یکی از آسیب‌های جدی جامعه مهدوی، وقت‌گزاری برای ظهور مهدی موعود علیه السلام است.

گسترش شور و شوق عمومی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام پدیده‌ای مبارک است؛ اما اگر این پدیده به تعیین زمان برای ظهور و امیدوار ساختن مردم به ظهور ایشان در زمانی معین همراه شود، نتیجه بسیار خسارت‌باری را در پی خواهد داشت. وقت‌گزاری‌های صورت گرفته، خود شاهد صادقی هستند بر این‌که به شدت باید از بیان وقت برای ظهور خودداری کرد.

در روایات متعدد، تعیین وقت برای ظهور حضرت ولی عصر ممنوع دانسته شده است. ماحصل برخی از این احادیث چنین است: «ما اهل بیت هرگز برای ظهور وقت تعیین نمی‌کنیم؛^۱ نه در گذشته این کار را کرده‌ایم و نه در آینده خواهیم کرد؛^۲ هر کس تعیین وقت نماید دروغ‌گوست^۳ و شیعیان باید وی را تکذیب کنند.^۴» در برخی روایات، دلیل ممنوعیت تعیین وقت، ایجاد ناامیدی در مردم دانسته شده^۵ و در برخی دیگر، با تشبیه به جریان حضرت موسی علیه السلام (تبدیل شدن مناجات سی‌روزه در کوه طور به چهل روز) ایجاد فرقه‌ها و انحرافات بزرگ (همانند فتنه گوساله سامری) اعلام شده است.^۶

منابعی که روایت نهی از توقیت را آورده‌اند به شرح ذیل است:

مرحوم کلینی در *الکافی* برای این بحث بابی با نام «بَابُ كَرَاهِيَةِ التَّوْقِيْتِ»^۷ گشوده است. نعمانی (شاگرد مرحوم کلینی) در *الغیبه* در بابی با عنوان «ما جاء في المنع عن التوقیت و التسمیة لصاحب الامر»^۸، شیخ طوسی در *الغیبه* در فصل هفتم ذیل بحثی با عنوان «ذكر الاخبار الواردة في أنه لا تعیین لوقت خروجه»^۹، فیض کاشانی در *الوافی* در باب 47 با عنوان «كراهیة التوقیت و الاستعجال»^{۱۰}، همچنین علامه مجلسی در *بحار الانوار* با عنوان «باب التمحیص و النهی عن التوقیت و حصول البداء فی ذلك»^{۱۱} و *عوامل العلوم (فی أحوال الامام الحجة علیہ السلام)* در ضمن بحث از وظایف منتظران در زمان غیبت در باب هفتم با عنوان «باب التمحیص و النهی عن التوقیت و

حصول البداء فی ذلک»^{۱۲} به نقل احادیث این باب پرداخته‌اند. در بین معاصران، نهایندی در *العبری الحسان*، در «عبریة دوم از بساط پنجم»^{۱۳}، حائری یزدی در *إلزام الناصب* در بحث «الفرع الحادی عشر: فی کراهیة التوقیت» و صافی گلپایگانی در *منتخب الاثر* در باب «فی عدم جواز التوقیت و تعیین وقت لظهوره»، به آوردن احادیث نهی از توقیت پرداخته‌اند. موسوی اصفهانی در *مکیال المکارم* در تکلیف 69 و 70^{۱۴} و سید محمد صدر نیز در فصل سوم کتاب خود *تاریخ پس از ظهور* _ با عنوان «شرایط و نشانه‌های ظهور» درباره توقیت بحث کرده است.^{۱۵}

مفهوم‌شناسی توقیت

واژه «توقیت» مصدر باب «تفعیل» از ماده «وقت»^{۱۶} به معنای تعیین و بیان زمان برای چیزی است.^{۱۷} این واژه در قرآن کریم به صورت ماضی مجهول آمده است.^{۱۸} معنای فعلی ریشه وقت، متعدی بوده^{۱۹} و واژه توقیت در باب تفعیل به همان معنای ثلاثی مجرد کاربرد دارد. کلمه توقیت در برخی از ابواب فقهی نیز به همین معنا به کار رفته است.^{۲۰}

توقیت در اصطلاح مباحث مهدوی به معنای «بیان وقت ظهور حضرت مهدی (عج)» است و معنای مذکور، اولین معنایی است که از شنیدن این واژه به ذهن می‌آید.

واژه «وقاتون» نیز صیغه مبالغه از ریشه «وقت» بوده و در مباحث مهدوی بسیار مورد استفاده است و در بیشتر روایات موضوع نهی از توقیت، به چشم می‌خورد. «وقاتون» جمع سالم از کلمه «وقات» است. این واژه بر اساس تتبع نویسنده تنها در منابع مهدوی به کار رفته و به نظر می‌رسد صدور این واژه از سوی پیشوایان دینی، با توجه به کثرت وقت‌گزاری توسط یک شخص باشد؛ چرا که برخی از اشخاص چندین بار به تعیین وقت پرداخته‌اند. این‌گونه اشخاص با منقضی شدن نخستین وقت تعیین شده، برای دفاع از خود هم که شده باشد، به تعیین وقت دیگری می‌پردازند.

در روایات این باب، از وقت‌گزاران با واژه «الموقتون»^{۲۱} نیز یاد شده که با توجه به ساختار صرفی آن، در این واژه هیچ دلالتی بر کثرت وقت‌گزاری نیست.

مباحث و پرسش‌های مرتبط با توقیت

مبحث توقیت، مرتبط با پرسش‌های ذیل است و ضروری می‌نماید محققان عرصه مهدویت به این پرسش‌ها پاسخ لازم را بدهند:

- _ آیا غیر از خداوند متعال کسی از آدمیان به زمان ظهور آگاهی دارد؟ اگر در میان انسان‌ها چنین کسی وجود دارد، او کیست؟ آیا وی از افراد عادی بشر است یا از معصومان؟ آیا غیر از معصومان و امامان، دیگر آدمیان نیز می‌توانند از زمان ظهور اطلاع یابند؟
- _ آیا امام زمان علیه السلام زمان ظهور خویش را می‌داند؟
- _ حکم شرعی توقیت چیست؟ توقیت حرام است یا جایز؟ در صورت حرمت آیا تمام اقسام توقیت حرام است یا توقیت غیرحرام نیز وجود دارد؟
- _ تقسیم توقیت به توقیت اجمالی یا تفصیلی بر چه اساس است؟ حکم شرعی هر یک از این اقسام چیست؟
- _ آیا علایم ظهور با احادیث نفی توقیت منافات دارد؟
- _ رابطه تطبیق و توقیت چیست؟ آیا تطبیق به توقیت منجر خواهد شد؟
- _ آیا روایات حصول بداء در زمان ظهور، معتبرند و امکان بداء در زمان ظهور وجود دارد؟

آثار مخطوط نگاشته شده درباره توقیت

حقیقت آن است که بسیاری از منابع مهدوی باارزش در قالب نسخه‌های خطی و چاپ سنگی در گوشه کتابخانه‌ها دور از دسترس مانده و مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. لازم است پس از شناسایی و ارزیابی میراث مهدوی بر جای مانده از پیشینیان، این آثار به صورت موضوعی منتشر شوند. در موضوع مورد بحث نیز چندین اثر یافت شد. بررسی بیشتر درباره این آثار مستلزم تهیه تصویر و تحقیق در آن‌هاست؛ با این حال معرفی اجمالی و ارائه برخی از اطلاعات به دست آمده از فهرس نسخ خطی و نیز رؤیت برخی از این عناوین، خالی از فایده نخواهد بود.

استحالة التوقیت، از محمدباقر بهاری همدانی (م 1333 ق)؛^{۲۲}

به نظر می‌رسد علامه بهاری این اثر را _ با توجه به دیگر آثارش _ در محال بودن توقیت و تعیین وقت ظهور حضرت حجت علیه السلام به فارسی نگاشته است. به گزارش آقابزرگ در *الدریعة* نسخه خطی این اثر در کتابخانه شخصی مؤلف وجود داشته است؛ با این وجود تا کنون ظاهراً نسخه یا نسخه‌هایی از این اثر در فهرس نسخ خطی معرفی نشده است.

قامعه اللجاج و دافعه الحجاج، به عربی از همو^{۲۳}

نسخه‌ای از این اثر به شماره 12346/2 در کتابخانه آیت الله مرعشی^{علیه السلام} موجود است. مؤلف در مقدمه کتاب چنین می‌گوید:

برخی از ابناء زمان _ بلکه طلاب _ اقدام به تعیین زمان ظهور حضرت مهدی می‌نمایند، در حالی که هیچ سند محکمی در دست ندارند.

آن‌گاه درصدد تصحیح اعتقاد مردم برآمده، مطالب کتاب را در پیش می‌گیرد.^{۲۴} وی بعد از ذکر چند امر _ که به مثابه مبانی بحث است _ در برگ «58 پ» چنین می‌نگارد:

إذا عرفت هذه المقدمات، فنقول: اما تعیین زمان الظهور و الاخبار به فقد اتضح مما حررناه أنه فعل العالم بما يخلق فيما بعد زمانه و المصالح في ذلك و تدبير النظام في عيشتهم و بقائهم إلى الأمد المحدود إلى غير ذلك بضرورة توقّف العلم بزمان الظهور المعين في حدّ نفسه على العلم بالأمر المذكورة فلا يمكن أن يحصل ذلك العلم بطريق الحس و نحوه لغير العالم بتلك الأمور و العالم بها أيضاً قد عرفت عدم وجوده في البشر.

ایضاح المرام فی امر الامام (درباره حکمت عدم تعیین زمان ظهور) به عربی از همو

نسخه‌ای از این اثر به شماره 12346/3 در کتابخانه آیت الله مرعشی^{علیه السلام} موجود است. مؤلف می‌گوید:

بعد از تألیف کتاب قامعه اللجاج و دافعه الحجاج شرح صدری بر من حاصل گشت که درباره حکمت عدم تعیین زمان ظهور نکاتی را بیان کنم.^{۲۵}

رساله‌ای در هفت برگ از نویسندگی ناشناخته

در این رساله، توقیت اجمالی و تفصیلی غیرممکن دانسته شده است. نسخه‌ای از این اثر به شماره 12308/3 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی^{علیه السلام} موجود است.^{۲۶}

رساله‌ای درباره توقیت ظهور امام زمان^{علیه السلام} از عبدالهادی بن رفیع الدین رضوی دلیجانی (قرن 11)^{۲۷} به عربی

نسخه خطی این اثر در سال 1048 کتابت شده و در کتابخانه مدرسه فیضیه قم به شماره 1988/2 نگهداری می‌شود.^{۲۸} این رساله در رد توقیت و تحریم تعیین وقت ظهور است.

دعائم الدین و کشف الریبه فی اثبات الکره و الرجعه، از ملا محمد محسن بن عنایت الله مشهدی
(قرن 12) به عربی

مؤلف در کتابش بابی با نام «الباب العاشر: فی کراهیه التوقیت و بعض علامات الظهور» دارد.
نسخه‌ای از این اثر در مرکز احیای میراث اسلامی قم به شماره 2994 وجود دارد.^{۲۹}

العجاله، از شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی بحرانی (1121ق)، به عربی

این اثر در شرح حدیث ابولیبید مخزومی از امام محمد باقر علیه السلام در تأویل حروف مقطعه قرآن کریم
نگاشته شده است. مؤلف این رساله را به خواست محمد سلطان _ حاکم بحرین _ نگاشته است. به
نوشته ماحوزی در این حدیث به تاریخ قیام اهل البیت علیهم السلام اشاره رفته است. ماحوزی در اواخر این
رساله از کتابی یاد می‌کند که درباره غیبت امام قائم علیه السلام تألیف کرده است. مؤلف پیش از آغاز در شرح
حدیث به تهیه چهار مقدمه و یک خاتمه پرداخته است. مقدمه اول در تحقیق در امر بداء، مقدمه دوم
در معرفت زبر و بیئات، مقدمه سوم در شرح حساب جمل مغربی که با حساب جمل معروف تفاوت
بسیار دارد، مقدمه چهارم بررسی اخبار توقیت و تکذیب وقاتان، و خاتمه در بحث استبعاد طول بقای
عمر.^{۳۰}

علائم الظهور و التوقیت، از مؤلفی ناشناخته به فارسی

متأسفانه آغاز این رساله افتاده است. فهرست‌نگار بخشی از آغاز افتاده را چنین گزارش
کرده است:

... و درویش صفت است با وجود آن که از او این قسم آثار به ظهور رسیده هر که خود را از طایفه
اهل علم نمی‌خواند و دعوی مراتبی که سواد خوانان کتب فقهی در این ایام می‌نمایند نمی‌کند...
اما آنچه در این رساله ذکر فرموده از تعیین سال ظهور حضرت صاحب الامر _ صلوات الله علیه
_ از مقوله توقیت است؛ زیرا که خفایی در این نیست که توقیت آن است که مثلاً گوید من
ساعت... .

نسخه این اثر ضمن مجموعه شماره 4776 در مدرسه غرب همدان در پنجاه برگ موجود است و
تاریخ کتابت آن مشخص نیست.^{۳۱}

وقت‌گزاران در آینه تاریخ

با بررسی منابعی چون نسخ خطی مهدوی، کتب چاپ سنگی و سربی و پژوهش در آنها با موارد
متعدد توقیت‌های اجمالی و تفصیلی در طول تاریخ اندیشه‌های اسلامی روبه‌رو هستیم. با ایجاد بستر

مناسب در حوزه کتب کمیاب _ اعم از خطی و سربی و سنگی _ و بالا گرفتن مباحث تخصصی موضوع مهم مهدویت در سال‌های اخیر، اطلاعات تازه و فراوانی در موضوع توقیت و دیگر مباحث مهدویت به دست آمده است. گفتنی است تعیین وقت ظهور علاوه بر مسلمانان _ از شیعه و سنی _ در میان مسیحیان نیز درباره نزول حضرت عیسی علیه السلام بارها در طول تاریخ صورت گرفته و مشکلاتی نیز در پی داشته است.^{۳۲}

درباره این وقت‌گزاری‌ها یادآوری چند نکته ضروری است:

1. توقیت‌های انجام شده بیش از این‌هاست که در این نوشتار آمده؛ قصد نویسنده نیز احصای کامل آن‌ها نبوده، و گرنه باید فهرستی درازدامن تهیه می‌شد.
2. هدف از ذکر این وقت‌گزاری‌ها صرفاً بازخوانی برخی از توقیت‌های انجام گرفته است و قصد نویسنده، قبح و ایراد اتهام به توقیت‌کنندگان نیست.
3. توقیت‌های ذکر شده در نوشتار حاضر، اعم از توقیت حرام و غیرحرام است و تشخیص این موضوع، بحثی فقهی است که باید در جای خود بدان پرداخته شود.
3. در گزارش زیر، وقت‌گزاری منتسب به امامیه و اهل تسنن به چشم می‌خورند.
4. توقیت‌های ذکر شده اعم از آن است که خود شخص مرتکب توقیت شده باشد یا این‌که آن را به وی نسبت دهند.
5. کوشیده‌ایم تا حد امکان، مستندات این توقیت‌ها آورده شود، مگر آن‌که در منابع مورد استفاده اطلاعی در این زمینه یافت نشده باشد.
6. ترتیب زمانی این گزارش بر اساس دوره زمانی حیات توقیت‌کنندگان تنظیم شده است.

سده هفتم

_ علامه حسینی تهرانی در کتاب **روح مجرد** درباره اکتشاف بعضی از امور غیبیه توسط محیی‌الدین عربی (م 638ق) با علم حروف می‌نویسد:

مُحیی‌الدین عربی و محقق فیض کاشانی و شیخ بهاء‌الدین عاملی در این فن از سرآمدان روزگار بوده‌اند. محدث نیشابوری در ترجمه احوال محیی‌الدین می‌گوید: «وی در علم حروف ید طولایی داشت.» و از جمله استخراج او این بود که: «إِذَا دَخَلَ السَّيْنُ فِي الشَّيْنِ، ظَهَرَ قَبْرُ مُحْيِي الدِّينِ»؛ یعنی چون سین در شین داخل شود، قبر محیی‌الدین ظاهر می‌شود. این بود و قبر محیی‌الدین پنهان بود تا سلطان سلیم عثمانی داخل شام شد و از قبر او تفحص به عمل آورد و آن را پس از

اندراس تعمیر نمود و سرّ کلمهٔ سین که سلطان سلیم و شین که شهر شام است مکشوف شد. و از جمله اکتشافات و استخراجات اوست راجع به ظهور حضرت قائم علیه السلام:

إِذَا دَارَ الزَّمَانُ عَلَى حُرُوفٍ بِسْمِ اللَّهِ فَالْمَهْدِيُّ قَامَا
وَ إِذْ دَارَ الْحُرُوفُ عَقِيبَ صَوْمٍ فَأَقْرُوا الْفَاطِمِي مَنِي سَلَامَا

البته باید دانست که معنای این شعر را نمی‌تواند بفهمد، مگر آن کس که از راسخین در علم باشد، وگرنه رمز نبود و حلّش برای همه با شرایط خاصی ممکن بود؛ همان‌طور که از معنای سین و شین بدون ورود سلیم در شام کسی نمی‌تواند خبردار شود مگر آن که از راسخین در علم بوده باشد.^{۳۳}

_ محمدباقر سیرجانی یزدی کرمانی در *جواهر القوانین* از این شعر، سال 1340 و با یک محاسبهٔ دیگر 1325 را استخراج کرده است.^{۳۴} در برخی از منابع این شعر را نیز برای تعیین وقت ظهور از محیی‌الدین نقل کرده‌اند:

فَعَنَدَ فَنَاءَ الزَّمَانِ وَ دَالِهَا عَلِي فَاءَ مَدْلُولِ الْكَرُورِ يَقُومُ
مَعَ السَّبْعَةِ الْاِعْلَامِ وَ النَّاسِ غَفْلُ عَلَيْهِمْ بِتَدْيِيرِ الْأُمُورِ حَكِيمُ
فَأَشْخَاصَنَا خَمْسَ وَ خَمْسَ وَ خَمْسَةً عَلَيْهِمْ تَرَى أَمْرَ الْوُجُودِ يَقِيمُ
وَ مَنْ قَالَ أَنَّ الْأَرْبَعِينَ نَهَائِيَّةً لَهُمْ فَهَوَ قَوْلُ يَرْضِيهِ كَلِيمُ
وَ إِنْ شِئْتَ أَخْبِرْ عَنِ ثَمَانٍ وَ لَا تَزِدْ طَرِيقَهُمْ فَفَرْدٌ إِلَيْهِ قَوِيمُ
فَسَبِعْتَهُمْ فِي الْأَرْضِ لَا يَجْهَلُونَهَا وَ ثَامَنَهُمْ عِنْدَ النُّجُومِ لَزِيمُ^{۳۵}

از شعر خواجه نصیر طوسی (م 672ق) سال 1347^{۳۶} استخراج شده است:
در دور زحل خروج مهدی است جرم و دجل و دجالیان است
در آخر واو و اول زاء چون نیک نظر کنی همان است^{۳۷}

_ رساله‌ای به نام *علامات المهدی* در برخی از منابع کتاب‌شناسی و فهرس‌نسخ خطی به صدرالدین قونوی (673ق) نسبت داده شده است. برخی از منابع از این اثر با نام *رساله فی حق المهدی* نیز یاد کرده‌اند.^{۳۸} نسخه‌ای از این رساله در کتابخانهٔ سلیمانیه در بخش ایاصوفیه در

استانبول به شماره 4849 وجود دارد که با نام *رسالة فی امر المهدي* معرفی شده است.^{۳۹} در پایان همین نسخه چنین می‌خوانیم:

و أما زمان ظهور المهدي على التعيين فمعلوم لكن لا يمكن التصريح به. لكن في سنة ست و ستين [و ستمائة] تظهر آية عظيمة يكون سبباً لإيمان أكثر المنكرين لأحوال القيامة و ما ذكرنا من أمر المهدي. و في سني ست و ستين و ستمائة أيضاً تشهد الخلق من الآيات ما لم يعرفوه و يتحققون وجود المهدي و ظهوره و غير ذلك من الآيات المنبّهة عليها بلسان النبوة و التحقيق. و الله ولي التوفيق.

نسخه‌ای از ترجمه فارسی این رساله نیز در دست است که در آن این تاریخ‌گذاری موجود نیست و به راحتی می‌توان حذف آن را با توجه به بی‌مفهومی و گنگی ترجمه فارسی دریافت.^{۴۰} برای بررسی بیشتر باید دو نسخه دیگری که از این اثر شناخته شده، رؤیت شود و تطبیق و بررسی بیشتری بر آن صورت گیرد.^{۴۱}

سده نهم

در شعر فارسی، معروف‌تر از همه پیش‌گویی شاه نعمت‌الله ولی ماهانی کرمانی^{۴۲} (م ۸۳۲ یا ۸۳۴ق) _ از مشاهیر صوفیه _ است. وی در این زمینه قصیده مشهوری دارد که مطلع آن چنین است:

قدرت کردگار می‌بینم حالت روزگار می‌بینم

تعداد ابیات قصیده در بیشتر نسخه‌های چاپی، پنجاه و هفت بیت است؛ ولی در چندین نسخه خطی مربوط به دوره صفویه و قاجاریه، کمتر است و اختلاف‌هایی نیز دیده می‌شود.^{۴۳} بنا به نقل گزارش کیوان سمیعی، خلاصه آن چه در بیشتر نسخه‌ها دیده شده چنین است:

گوینده مدعی است حکم امسال مانند پارسال و پیرارسال نیست و من این مطلب را از روی احکام نجوم نمی‌گویم، بلکه از جانب پروردگار می‌گویم. وقتی سال از «غین» و «راء» و «دال» یعنی هزار و دویست و چهار گذشت، در کار و بار مردم شگفتی‌ها می‌بینم؛ در خراسان و مصر و شام و عراق، فتنه و کارزار برپا می‌شود. از هر طرف ظلم و قتل و غارت و آشوب و فتنه دیده می‌شود. بندگان و فرومایگان به جای خواجگان و آزادمردان می‌نشینند. مذهب و دین ضعیف، و بدعت قوی می‌گردد. ترک و تاجیک به جان هم می‌افتند و امنیت در راه‌ها نمی‌ماند؛ اگر امنیتی باشد در حدود کوهساران خواهد بود. قحطی و خرابی و مکر و تزویر و جور و ستم و تجاوز اشرار

به مال و جان مردم همه‌جا دیده می‌شود؛ اما با این همه گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها نباید غم خورد؛ زیرا در میان این تشویش‌ها من شادی و خرمی می‌بینم. چون زمستان پنجمین بگذرد، ششمین زمستان را از خوشی مانند فصل بهار می‌بینم؛ آن وقت است که نایب مهدی آشکار می‌شود و او پادشاهی دانا و سروری باوقار است که به هر کجا رو نهد دشمنانش تار و مار می‌گردند. مدت شهریاری آن پادشاه چهل سال خواهد بود. بعد از او پسرش سلطنت خواهد کرد و او شاهی عالی‌تبار است که بر هفت اقلیم حکومت می‌کند. پس از او خود امام ظهور خواهد کرد که نامش «میم» و «حا» و «میم» و «دال» است. صورت و سیرت او مانند پیغمبر است؛ مهدی وقت و عیسی دوران است؛ دین و دنیا از او معمور می‌شود؛ در آن روزگار اسلام رونق می‌یابد و کفر بی‌اعتبار می‌گردد؛ گرگ با میش و شیر با آهو چرا می‌کنند؛ گنج کسرا و نقد اسکندر در دست مردم قرار می‌گیرد.^{۴۴}

بیت آخر این است:

نعمت‌الله نشسته در کنجی از همه بر کنار می‌بینم

به سبب اعتقادی که برخی از ایرانیان در چند سده اخیر به سراینده داشته‌اند، این قصیده شهرت فراوان یافت و اغلب در هنگام تغییر حکومت‌ها از آن سوءاستفاده‌هایی به عمل آمده است؛ برخی از ابیات آن را تغییر داه، چیزی بر آن افزوده یا از آن کاسته‌اند؛ یا اشارات آن را منطبق با شخص و زمان معینی ساخته‌اند.^{۴۵} به عنوان نمونه محمدمفید مستوفی (سده یازدهم) مؤلف *جامع مفیدی*، این قصیده را با تکلف بسیار، بر سال خروج شاه اسماعیل اول (909ق) از گیلان تطبیق کرده است.

سده دهم

__ جلال‌الدین سیوطی (م 911ق) در *الکشف عن مجاوزة هذه الأمة الألف* از فتوای یکی از علمای اهل سنت گفت‌وگو می‌کند که بر اساس روایت «أن النبی _ صلی الله علیه وسلم _ لا یمکث فی قبره ألف سنة» به وقوع خروج مهدی و دجال و نزول عیسی و دیگر اشراف الساعه در سده دهم فتوا داده و به مفاد این حدیث اعتماد کرده است. این در حالی است که سیوطی خود این حدیث را در شمار اباطیل دانسته و برای آن اصلی قائل نیست. سیوطی در ادامه بر اساس دیگر احادیث، وقوع این امور را در قرن دوازدهم می‌داند و می‌نویسد:

در بدبینانه‌ترین حالت، این رخدادها قطعاً پیش از سده پانزدهم به وقوع خواهد پیوست.^{۴۶}

اندیشه هزاره گرایی و جست‌وجو درباره آینده جهان، تعیین زمان قیامت و ظهور امام مهدی علیه السلام در میان اهل سنت بر پایه برخی از روایاتی است که در منابع آن‌ها آمده است. همین هزاره گرایی بود که فرصت و بستری مناسب را برای مدعیان مهدویت در سده نهم و دهم ایجاد کرد.^{۴۷}

— محمد بن جلال الحسینی بلیانی منجم (زنده در 950ق)، از طرف استادش مأمور می‌شود تاریخ ظهور امام مهدی علیه السلام را از طریق رمل و جفر استخراج کند. بلیانی منجم دست به کار شده، پیش‌گویی‌هایی را از زمان نگارش رساله (950ق) تا سال 1214 قمری بیان می‌دارد. اولین پیش‌گویی، مربوط به سال 996 قمری است. وی می‌نویسد:

و در سال هزار و پنجاه و هفت شروع به الگه‌گیری خواهد نمود و به اندک زمانی اکثر ربع مسکون را مسخر سازد و اکثراً آثار ظهور حضرت صاحب الامر در 1076 به ظهور آید و در 1214 حضرت صاحب الامر _ صلوات الله و سلامه علیه و آباءه _ ظهور خواهد نمود، ان شاء الله تعالی.^{۴۸}

— پیرغلام علی طوسی شریف، رساله ای حوالی سال 950 قمری نوشته و کوشیده است ادله و شواهدی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام در 13 سال بعد _ یعنی سال 963ق _ اقامه کند. نام رساله بر اساس نوشته خود مؤلف، *مبشّرة شاهیه* است. آن‌چه از نام رساله می‌توان دریافت، ترکیبی است که از «بشارت» به ظهور مهدی و «شاه» یعنی طهماسب در آن عرضه شده و بدین ترتیب بشارت به ظهور، به عنوان نوعی بشارت شاهانه وصف شده است. خود وی می‌گوید:

چون این رساله مشتمل است بر سعادت بشارت قرب ظهور صاحب الامر و الزمان علیه السلام مسمی شد به *مبشّرة شاهیه*.

روش استدلال او _ با ملاحظه منابع و مدارک مورد استناد _ نوعی روش ترکیبی با بهره‌گیری از احادیث، علوم غریبه، ماده تاریخ بر اساس حساب جمل، قرانات نجومی و نیز اشعاری از شاه نعمت‌الله ولی است.^{۴۹}

— ابن حجر هیتمی (م 974ق) در *القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر* آورده است:

اجتماع الناس علی المهدی سنة اربع و مائتین. ای بعد الالف، هکذا ورد فی الاثر.^{۵۰}

ابن‌حماد نیز در *الفتن* تاریخ فوق را آورده و در آخر از قول ابن‌لهیعه افزوده است:

بحساب العجم ليس بحساب العرب؛^{۵۱}
بر اساس سال‌های شمسی نه قمری.

_ از محمد بن پاینده ساوه‌ای (زنده در ۹۷۹ق) چندین رساله کوتاه مهدوی در دست است که عبارتند از: *در التمام فی تاریخ خروج المهدي*، معنی حدیث «الائمة من بعدی بعدد نقباء بنی اسرائیل»، *رساله فی علائم الظهور*، *رساله فی ظهور المهدي*، *رساله جفر الکبیر فی تعیین ظهور المهدي*. گفتنی است همه این آثار به همراه چند اثر مهدوی و غیرمهدوی دیگر (مانند *البرهان فی علامات مهدي آخر الزمان*، *الکشف عن مجاوزة هذه الامة الالف*^{۵۲} و...) به خط مؤلف بوده و در رجب سال ۹۷۹ قمری _ با توجه به محل کتابت رساله دوم مجموعه، برگ ۴۸، احتمالاً در کاشان _ کتابت شده است. آثار این نویسنده در مجموعه شماره ۶۳۶ محفوظ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.^{۵۳}

از وی در هیچ یک از منابع تراجم اطلاعاتی در دسترس نیست. تنها چیزی که از او می‌دانیم سپری کردن دوران کودکی و بزرگ شدنش در مکه است. همچنین در رؤیایی که نقل می‌کند، از شیخ الاقطاب زمان خود، شیخ شمس‌الدین محمد بن أبوالنجم^{۵۴} بن أبوالنصر الخلیجی (مدفون در یکی از بقعه‌های لار) نام می‌برد. وی در *در التمام فی تاریخ خروج المهدي* چنین آورده است:

فإن مضي من هذا الزمان و لم ظهر فيها شيء فيظهر برأس مائة الثاني بعد الألف.

و در بخشی از *رساله جفر الکبیر فی تعیین ظهور المهدي* می‌نویسد:

أقول: نعم بعد تسعمائة و ثلاثين يظهر ثلاثة أو أربعة مهدي؛ أسمائهم محمد: مهدي النطق و البيان و مهدي السر و السكان و مهدي السيف و الأمان و مهدي العدل و الإحسان.

مؤلف در ادامه برای هریک از این مهدیان، سالی ذکر می‌کند و به توصیف عملکرد آنان می‌پردازد و در نهایت ظهور مهدی العدل و الإحسان را در سده دوازدهم می‌داند.

_ اثری با عنوان *رساله در شرح حدیث «دولتنا فی آخر الزمان»* از مؤلفی ناشناخته در ۳۳ برگ به شماره ۱۳۸۱ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی‌نقهداری می‌شود. این نسخه مذهب و شاهانه و هنری، برای شاه طهماسب (م ۹۸۴ق) و در روزگار وی تألیف شده است. این نویسنده ناشناخته، رساله مذکور را در شرح این عبارت از امام صادق علیه السلام نگاشته که می‌فرماید:

لِكُلِّ اُنَاسٍ دَوْلَةٌ يُرْفُقُونَهَا وَ دَوْلَتَنَا فِي اٰخِرِ الدَّهْرِ تَظْهَرُ

در دوره صفوی، به این حدیث دربارهٔ اتصال دولت صفوی به دولت قائم^{۵۵}، یا در حقیقت مقدمه بودن دولت صفوی برای دولت صاحب‌الزمان، استناداتی صورت گرفته است. این کتاب شامل یک مقدمه توضیحی است که مؤلف پس از آن 12 دلیل برای اثبات این تطبیق می‌آورد. نوع استدلال‌ها نه فقهی، بلکه عمدتاً قریحه‌ای و خطابی است، چنان‌که یکی از موارد استدلال برای درستی تطبیق آن است که تاریخ جلوس این پادشاه با عدد ابجدی «آخر الزمان» برابر است. از این رو نویسنده نتیجه می‌گیرد که دولت طهماسب به دولت صاحب‌الزمان^{۵۶} خواهد پیوست.

در لابه‌لای عبارات وی می‌توان هدف اصلی او را از تدوین این رساله دریافت. در جایی می‌نویسد: دولت ابد پیوند نواب کامیاب شاهی ظلّ الهی که اشراق انوار ریات نصرت آیتش از ضیاء وضاء انتساب به خاندان مقدّس بنیان نبوت، و لمعان ماهچه اعلام فتح ارتسامش از پرتو شعاع آفتاب عالم‌تاب انتساب به دودمان قدسی مکان ولایت و امامت است، در آخرالزمان تا آخر زمان بوده، در آخر به زمان صاحب‌الزمان _ علیه صلوات الله الرحیم الرحمن _ متصل گشته، انتهای زمان سلطنت جهان به زمن سعادت اقتران این شاه جهانیان و پادشاه عالمیان باشد، ان شاء الله تعالی و تقدّس.^{۵۵}

سدهٔ یازدهم

_ علامه مجلسی (م1110ق) در کتاب رجعت^{۵۶} (تألیف شده به سال 1078ق)، دو حدیث را منطبق با دولت صفوی دانسته، در مقدمه چنین نوشته است:

و در اثنای جمع احادیث، دو حدیث به نظر قاصر رسید که ائمه به ظهور این دولت علیه خبر داده اند و به اتصال این سلطنت بهیبه به دولت قائم آل محمد _ صلوات الله علیهم اجمعین _ شیعیان را بشارت فرموده‌اند.^{۵۷}

ایشان در پایان ترجمه و شرح حدیث دوم چنین نگاشته است:

و چون حدیث را اختصار کرده بعضی از وقایع بعد افتاده است اما بشارت به تعجیل ظهور حضرت صاحب‌الزمان _ علیه الصلاة والسلام _ و اتصال این دولت دین پرور به دولت حق امام البشر از آخر حدیث ظاهر است.^{۵۸}

آن‌گاه در شرح حدیث سوم که آن را از احادیث مشکله می‌داند، پس از حساب‌های ابجدی مرتبط با حروف مقطعهٔ مذکور در حدیث می‌نویسد:

و اما آن که قیام قائم آل محمد _ صلوات الله علیه _ نزد «الر» است، فقیر را چنین به خاطر می رسد که مراد این باشد که پنج «الر» را که در قرآن مجید است همه را حساب باید کرد، به قرینه آن که در «الم» که یکی مراد بود جزء آیه بعد را ضم فرمود در هر دو موضع و در «الر» چون مراد همه بود بیان نفرمود و مجموع هزار و صد و پنجاه و پنج می شود که تقریباً از سنه تحریر این رساله که سنه هزار و هفتاد و هشت از هجرت است، شصت و پنج سال مانده باشد؛ چون مبدأ آن تواریخ از اوایل بعثت بود.^{۵۹}

سده چهاردهم

_ محمدباقر سیرجانی یزدی معروف به لسان العلماء (م 1318ق) در قانون 22 جوهر القوانین^{۶۰} می پرسد: «حضرت خاتم الاوصیا کیست؟» و سپس سؤال می کند: «بفرمایید ظهور موفور السرور قطب دایره امکان، حضرت بقیه الله، امام محمد مهدی _ ارواحنا فداه _ چه زمانی خواهد بود؟» پاسخ مؤلف به این پرسش، خواندنی است:

به طور یقین احدی از مؤمنین نداند که کدام روز یا فلان ساعت یا فلان هفته، بلکه فلان سال ظهور خواهد فرمود و محمد و آل او علیهم السلام تصریح به آن نفرموده، بلکه کراهت از اظهار آن داشته اند و به ملاحظاتی صلاح هم نمی باشد و امتحان بزرگی همین غیبت ولی عصر علیه السلام است که مؤمنین از منافقین و مرتدین معلوم شوند و به مؤمنین به غیب ثواب عظیم مرحمت فرمایند که در انتظار جان جهان و حجت حضرت رحمان بودند تا جان دادند و حکمت های دیگر هست که در این جا مناسب نیست.

سپس سائل می پرسد: «بابی ها می خواهند از حدیث امام باقر علیه السلام خطاب به ابولبید، برای خروج میرزاعلی محمد تاریخ بسازند؛ در رد آن ها چه دارید؟» در این جا سیرجانی وارد بحث شده، در رد آن به حدیث امام حسن عسکری علیه السلام استناد می کند و برای این که تاریخ ادعایی بابیه منطبق بر خبر ابولبید نباشد توجیهات و برخی وجوه ادبی و حساب ابجدی را ذکر می کند و به تاریخ 1335، 1336 و 1337 می رسد و در نهایت تاریخ اول را متناسب با حدیث اول می داند. البته وی در یکی از جواب ها می نویسد:

این احتمالات قابل توجه نیست؛ زیرا که معصوم تا این اندازه ابهام و اجمال نمی فرماید و الا فایده برای فرمودن متصور نیست؛ لهذا احتمال اقوی^{۶۱} است که چون سنه 1335 تمام شد کار شیعیان آل محمد علیهم السلام اصلاح و خوب خواهد شد.^{۶۱}

دیگر بار سائل می پرسد: «دیگر چیزی دارید که دلالت بر قرب وصال محبوب دو جهان _ امام زمان علیه السلام _ کند؟» از این جا به بعد، دیگر مؤلف به ذکر بیش از ده مورد اشعار و عبارات می پردازد که از آن ها تاریخ ظهور استخراج می شود. برخی از این اشعار و تاریخ ها بدین قرارند: عبارت حضرت دانیال پیغمبر (1335)، عبارت منقول از میرزا محمد اخباری (1335، 1336، 1337 و 1338)، رباعی یکی از اهالی عرفان (1325 و 1340)، بیتی از سعدالدین حموی (1335 و 1337)، بیت دعبل خزاعی (1335)، شعر شیخ عبدالکریم یمانی (1325 و 1337)، رباعی شیخ عبدالرحمان بسطامی (1226، 1338 و 1346)، شعر دیگری از شیخ عبدالرحمان بسطامی (1336)، رباعی خواجه نصیرالدین طوسی (خروج مهدی در 1338 و نابودی دجال و اصحابش در 1336 و 1337)^{۶۲}، بخشی از شعر شاه نعمت الله ولی (1337)، شعر سلطان الغبیک گورکانی (1039 و با اختلاف نسخه 1042 و 1337) و مورد دیگر (1336)^{۶۳}.

سائل در سؤال 37 می پرسد: «جناب عالی در این باب، تاریخی رقم فرموده اید؟». مؤلف نیز در پاسخ این سؤال و سه سؤال دیگر، چهار مورد از اشعاری را که گفته آورده است (تاریخ اشعار مؤلف: 1337، 1337، 1333، 1347).

سائل در سؤال 41 می پرسد: «حاصل از این اخبار و اشعار چه شد؟ آیا یقین حاصل می شود یا خیر؟» مؤلف در پاسخ چنین نگاشته است:

ما آن چه ممکن بود توجیه کردیم؛ حال یقین حاصل می شود یا خیر. یقین امری است قلبی و قهری؛ برای بعضی شاید حاصل بشود، شاید نشود؛ ولی امید قوی دارم که در اوایل سال 1337 عالم را به جمال با جلال ولی حضرت ذوالجلال با نهایت عظمت و اقبال منور فرماید و اهل کفر و شرک و نفاق را به دین خداوند متعال دعوت فرموده، معجزه ها هم بر صدق دعوت خود آورده هر که ایمان آورد سالم و هر که اجابت نکرد به شمشیر جدش حیدر کرار ذوالفقار آتش بار، خرمن هستی او را خواهد سوخت و دمار از کفار و اشرار برخواهد آورد.^{۶۴}

از این جا به بعد متن *جواهر القوانین* مشتمل بر سؤال و جواب های مربوط به علایم ظهور و ... است. نکته جالب دیگر این است که در صفحه پایانی کتاب چنین آمده است:

بسم الله و له الحمد. در عهد سلطنت و ولایت و امامت و اواخر غیبت حضرت سلطان السلاطین، امام العارفین، غوث المؤمنین الموقنین، بقیه الله فی العالمین، حجة رب العالمین، باعث ایجاد الاولین و الآخرين الذی بیمن وجوده رزق الوری، امام العصر ناموس الدهر، مرکز العالم، صاحب الصمصام الاعظم، خاتم الاولیاء و الأوصیاء، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی

بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی و فاطمه بنت محمد بن عبد الله _ صلی الله علیه و آله _ در مطبعه مبارکه کرمان به زیور طبع آراسته گردید و تصحیح آن را خود مصنف نمودند و طبع آن آزاد است؛ محرم 1334.

_ شیخ محمد واعظ یزدی حائری، ملقب به صدر الواعظین^{۶۵} (م 1337 یا 1333ق) در *تباشیر المحرورین* وقوع ظهور را در بین سال‌های 1332 تا 1335 قمری می‌داند. وی در مقدمه این کتاب چنین می‌نویسد:

... اینک گوئیم امید فرج از برای شیعی مذهبیان در این دو سه سال قوی است و اخبار بسیار دلالت بل صراحت دارد تا سی و پنج [1335] لکن این فرج، ظهور خود حضرت است یا قسمی دیگر، هنوز صریحاً نتوان گفت و از جمله آن هاست آن چه در کتاب دانیال است که تا کنون به طور دقت آن را ملاحظه نکرده بودیم.^{۶۶}

_ ابو القاسم نجم الممالک (م 1380ق) در ابتدای تقویمی که برای سال 1343 قمری تهیه کرده، با عنوان «قابل توجه عموم»، سال 1347 قمری را برای ظهور امام مهدی تعیین کرده است.^{۶۷}

_ ناظم الاسلام کرمانی (1280 - 1337ق) در بخشی از کتاب *علائم الظهور*، از وقت ظهور سخن به میان آورده و ضمن آن که تأکید دارد برای ظهور تعیین وقت نباید کرد، قراین و شواهدی برای تعریف کلی از وقت ظهور ارائه کرده است. به رسم معمول، از تمام آن چه پیشینیان گفته‌اند نمونه‌هایی آورده و از جمله به تفصیل از اشعار شاه نعمت‌الله ولی (ص 86 - 94) که غالب آن‌ها ساخته دوره پس از اوست یاد کرده است. به هر حال این مقاله از مطالبی که درباره وقت ظهور گفته شده است سخن می‌گوید. اما در مقاله پنجم _ که هدف اصلی کتاب به شمار می‌رود _ بحث از علایم ظهور است. در این بحث بسیار هم طولانی، نویسنده آن چه را بر اساس روایات فراوان یا حتی اظهارات کسانی از بزرگان یافته، به ترتیب آورده است. در میان این مطالب، وی مشروطه را یکی از علایم ظهور دانسته و از آن جا که وی سخت طرفدار مشروطه است، تلاش کرده این انقلاب را نشانه‌ای از نزدیک بودن ظهور معرفی کند. فاضل کرمانی در این کتاب پس از نقل روایت امام حسن عسکری علیه السلام از *مجمع النورین* فاضل مرنندی، پس از محاسبات، به عدد 1388 می‌رسد.^{۶۸}

_ ابو الحسن مرنندی (1349ق) در *مجمع النورین* از حدیث امام حسن عسکری علیه السلام سال 1329 را استخراج کرده است.^{۶۹}

__ حاج شیخ علی اکبر نهاوندی (م 1369ق) در *العقبی الحسان* درباره یکی از واعظان معاصر خود چنین نوشته است:

یکی از واعظ معروف ایران حدود پنجاه سال قبل به کرات در بالای منبر به پیرمردهای هشتاد و نود ساله خطاب نموده، می گفت: امروز و فردا مهیای ظهور و دیدن حضرت امام زمان باشید به نحوی که هر پیرمردی خیال می کرد در همان سال و ماه حضرت را ملاقات خواهد نمود. تا حال قریب پنجاه سال می گذرد و هنوز از ظهور آن بزرگوار خبری نیست.^{۷۰}

معاصران

__ یکی از بزرگانی که از ایشان توقیت های مکرر شنیده شده است، مرحوم محمدحسن میرجهانی (م 1371ش) نویسنده *نوائب الدهور* است. از جزئیات سال های توقیتی ایشان اکنون اطلاعی در دست نیست، ولی در میان توقیت های معاصر، وقت گذاری ایشان از شهرت خاصی برخوردار است. مرحوم میرجهانی در پاره ای از علوم غریبه و... ید طولایی داشت.^{۷۱}

__ مرحوم محمدشریف رازی (م 1379ش) نویسنده *آثار الحجة، گنجینه دانشمندان و اختران فروزان ری و تهران* از چهره های قابل اعتنای حوزه علمی قم بود و در نگارش تاریخ حوزه از تأسیس تا حوالی انقلاب، سهمی اساسی داشت. ایشان در *گنجینه دانشمندان* (ج 2، ص 7 - 8) می نویسد:

این جانب در 1362 قمری که برای تحصیل مشرف بودم به نجف، در بجنوبه ریاست و مرجعیت تامه و عامه مرحوم آیت الله اصفهانی؟ ره؟ که هنوز آن جناب اسمی نداشت و جز عده ای از فضلا و علما وی را چندان نمی شناختند و من اسم او را نشنیده بودم. شبی در عالم رؤیا خدمت یکی از معصومین علیه السلام مشرف شده و از علایم ظهور حضرت ولی عصر _ ارواحنا له الفداء _ سؤال کردم. جواب هایی دادند که از آن ها این بود: «حاج سید ابوالقاسم خویی یکی از مبشرات فرج است.» خلاصه در روز آن از صاحب این اسم استفسار کردم، گفتند: یکی از مدرّسین نجف است، ولی اکنون در مسافرت می باشد. من در حرم حضرت امیر _ علیه السلام رزقنا الله زیارت و شفاعت _ مشرف شده، عرض کردم: «آقا جان، اگر این خواب صحیح و مکاشفه صادق است، وقتی من این آقا را ملاقات کنم که در حرم مطهر حضور شما باشد.» و برای احدی این خواب را نگفتم تا بعد از دو ماه تقریباً که یک روز صبح حال خوشی داشتم در حرم. دیدم سیدی در مقابل من ایستاده، برخاستم و نزدیک وی رفتم و سلام کردم و گفتم: «آقای حاج سید ابوالقاسم خویی شما میاید؟» فرمودند: «مقصود؟!» گفتم: «بفرمایید شما میاید؟» گفتند: «آری منم.» پس جریان را

عرض کردم و اضافه نمودم که من برای شما سه بشارت دارم: 1. شما حاجی هستید و حج شما قبول شده (در صورتی که نمی دانستم این آقا حج رفته و یا نه)؛ 2. شما سید هستید؛ 3. آن جناب از مبشرات فرج و ظهور مولای ما حضرت صاحب الزمان _ روحی فدا _ می باشد. و الحمد لله که از دنیا نرفته آن جناب را یکی از نواب عام و مراجع بنام _ دام ظلّه علی رؤس الانام _ دیدم و انتظار دارم نمیرم و ببینم که معظم له پرچم شیعه را به دست گرفته و با منتظرین و انصار آن حضرت به استقبال حضرت می شتابد.^{۷۲}

__ یکی از نویسندگان معاصر در کتابش نوشته است:

مرحوم پدرم از کسانی بود که شاید مکرر خدمت حضرت بقیة الله رسیده بود که اولین دفعه اش در سن شانزده سالگی بوده که در همین کتاب آن را نقل کرده ام. او معتقد بود که تا زمان ظهور امام عصر زنده است. لذا هر زمان که به بیماری سختی مبتلا می شد، به من می گفت: «غصه نخور! من نمی میرم، خوب می شوم، باید تا زمان ظهور زنده باشم.» در سال 1397 ق در روز 24 شعبان خدمتش رفتم. مختصر کسالتی داشت، سر به گوش من گذاشت و گفت: «جمعه ای که می آید نه، جمعه بعدی، من از دنیا می روم.» گفتم: «شما که می گفتید: من تا زمان ظهور حضرت بقیة الله زنده ام.» فرمود: «بله قرار بود؛ ولی به من فرمودند: از این دنیا برو خستگی ات را بگیر، اگر خواستی می توانی برگردی؛ زیرا ظهور، قدری تأخیر شده است.» پس از آن روز کسالتش رو به شدت گذاشت و من همه روزه از معظم له عیادت می کردم و او همه روز منتظر روز جمعه بود تا آن که شب جمعه، هشتم ماه مبارک رمضان 1397 ق رسید. این جمعه همان جمعه ای بود که او انتظارش را می کشید. وقتی در آن شب از او عیادت کردم و پرسیدم: «حالتان چطور است؟» گفت: «بسیار خوب؛ دو انتظار داشتم که هر دو فراهم شد: اول آن که به این جمعه که با محبوب وعده ملاقات دارم رسیده ام، و دیگر آن که مایل بودم در وقت رفتن از این دنیا فرزندانم دورم جمع باشند که هستید.» تصادفاً در روز پنجشنبه هفتم رمضان _ یعنی یک روز قبل از فوتش _ تمام فرزندانش که بعضی در قم بودند، به مشهد آمدند و او در همان روز موعود _ یعنی جمعه، هشتم ماه رمضان 1397 ق _ از دنیا رفت؛ خدا رحمتش کند.^{۷۳}

__ نگارنده کتاب *نشانه های یار و چکامه انتظار* خاطره عبرت انگیزی درباره توقیت و تطبیق

دارد. وی می نویسد:

حدود یک سال از جنگ خلیج فارس و حمله نظامی عراق به کویت گذشته بود و در آذرماه و سالگرد شهادت دکتر مفتاح و روز وحدت حوزه و دانشگاه بود. به همین مناسبت تعداد زیادی از برادران دانشجو از دانشگاه های مختلف سطح کشور به قم آمده بودند تا طی سه روز اقامت در

جوار بارگاه نورانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام با برخی از علما دیدار داشته و نیز از برخی مراکز حوزوی بازدید کنند.

آن سال این عزیزان در مدرسه‌ای از مدارس علمیه اسکان یافتند که محل بحث و درس صاحب این قلم بود. مقارن با ایام استقرار برادران دانشجو در مدرسه، یکی از خطبای کهن‌سال _ که ده‌ها سال پیش با خطابه آتشین خود، بسترساز یکی از قیام‌های خونین مردمی علیه رژیم شاهنشاهی شده بود _ در کمال گمنامی و تواضع و بی‌سر و صدا به این مدرسه تشریف آورده، وقتی برخی از روحانیون قدیمی وی را شناختند و آرام‌آرام خبر آن در مدرسه پخش شد و به گوش عزیزان دانشجو رسید، به سوی وی شتافتند و از ایشان خواستند که مطالبی بیان فرمایند. ایشان نیز پذیرفت و شب پس از نماز مغرب و عشا حدود یک ساعت به ایراد سخنرانی پرداخت و سخنان سودمندی با همان لحن گرم و مهارت مورد توقع بیان داشت. در بخش پایانی گفتار خویش، ناگاه از نزدیک شدن ظهور حضرت صاحب الامر علیهم السلام خبر داده و ابراز داشت که همین صدام حسین خبیث _ که منطقه را به آشوب کشیده و نخست ایران و سپس کویت را اشغال کرده _ از نشانه‌های ظهور است؛ آری، او [احتمالاً] همان سفیانی ملعون است و بدانید که حضرت حجت علیه السلام پس از دو سال ظهور خواهد کرد!

این‌جانب از سخنان اخیر ایشان سخت متأثر شدم، بدین‌جهت که احتمال این انطباق را ناچیز می‌انگاشتم و به دو سال بعد و حالت ناخوشایند تحیر مخاطبان جوان این سخنان می‌اندیشیدم. پس از پایان سخنرانی ایشان به سراغ چند تن از دانشجویان عزیز رفتیم که با یکدیگر مانوس شده بودیم. آنان با حرارت زایدالوصفی از مسئله ظهور و نزدیکی آن یاد می‌کردند. حقیر سعی کردم ضمن حفظ احترام به شخصیت گوینده بزرگوار، به شکل غیرمستقیم به آن برادران گوشزد کنم که این کلام را جدی نگیرند.

آن ایام سپری شد و دوستان دانشجویی ما به شهرهای خود بازگشتند. چند سال بعد به طور اتفاقی در دانشگاه فردوسی مشهد به یکی از آن عزیزان برخوردیم و پس از عرض سلام و احوال‌پرسی به افاق ایشان رفتیم و وی در ضمن صحبت‌های خود اظهار داشت که دو تن از دانشجویان کرمانشاهی و سبزواری که فرمایش آن شب خطیب محترم مورد قبولشان واقع شده بود، با سپری شدن دو سه سال از آن تاریخ و اثبات نادرستی آن سخنان، دچار مشکلات روحی و بعضاً شبهات دینی شدند و...^{۷۴}

_ یکی دیگر از این توقیت‌ها ماجرابی است که در کلام مرحوم آیت الله میرزا جواد تبریزی (م 1385 ش) در دیدار با دانش‌پژوهان مرکز تخصصی مهدویت آمده است:

حرف دیگر ما این است که باید زمینه را مساعد کنید که اگر غیبت، صد هزار سال هم طول بکشد عقاید مردم خراب نشود. فردی بود هر روز می‌گفت: «حضرت می‌آید، ظهور نزدیک شده.» یک‌بار گفت: «سه ماه دیگر حتماً آقا می‌آید.» سه ماه بعد گفتیم: «چه شد؟» گفت: «بداء حاصل

شد!!» [این چیزها، عقیده مردم را خراب می‌کند.] باید کاری کنیم که ایمان راسخ پیدا کنیم. خداوند داستان چهار پرنده را [در ماجرای حضرت ابراهیم علیه السلام] نقل می‌کند تا ایمان راسخ پیدا شود. طرح ادله متقن در اثبات امامت و وجود حضرت ولی عصر _ ارواحنا فداه _ به همراه نقل بعضی داستان‌های متقن که حاکی از عنایت، توجه و یاری حضرت است در قلوب تأثیر می‌کند و می‌رساند امام زمان الطاف خفیه دارد. البته مراقب باشید نه هر داستانی و از هر کسی [بلکه] داستان‌های متقن و مسلم از بزرگان و اشخاص مورد وثوق. علی‌ای حال نظایر این قضایای متقن را به مردم و جوانان بگویید تا منقلب شوند، نوع جوانان بحمدالله خوبند و از فطرت‌های پاکی برخوردارند.^{۷۵}

_ در ادامه هشت مورد از توقیت‌های انجام گرفته در جهان معاصر عرب را به نقل از مقاله «چرا [از اعلام] زمان ظهور نهی شده است؟»^{۷۶} بازخوانی می‌کنیم. گفتنی است وقت‌گزاری در دو مورد آخر از سوی نویسندگان اهل‌تسنن بیان شده است:

1. عبد محمد حسن، در *اقتراب الظهور* با استناد به برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام و تطبیق آن با

اوضاع و احوال جهان می‌نویسد:

زمان ظهور امام نزدیک شده است و امام در روز شنبه 10 محرم سال 1429 قمری، برابر با 19 ژانویه 2008 میلادی ظهور می‌کند.

او در کتاب خود، به برخی نشانه‌های پیش از ظهور و زمان روی دادن آن اشاره می‌کند.

2. جابر البلوشی در *ظهور الامام المهدي علیه السلام عام 2015 م. نبوءة قرآنية*، ظهور امام علیه السلام را بر

اساس علم اعداد و حروف و نیز با توجه به آیات قرآن، روز شنبه دهم ماه محرم سال 1437 قمری دانسته است.

3. فارس فقیه، در جزوه‌ای با نام *انت الان فی عصر الظهور* نام و مصادیق شخصیت‌های

دوران ظهور مانند خراسانی، یمانی، شعیب بن صالح و... را از میان شخصیت‌های کنونی مشخص کرده است. وی همچنین جزوه دیگری به نام «جميع الأدیان تقول أنه عصر ظهور» منتشر کرده است.

4. ماجد المهدی، در فصلی از کتاب *بدأ الحرب الأمريكية ضد الإمام المهدي علیه السلام* درباره

تعیین زمان ظهور چنین نوشته است:

آیا تعیین کردن زمان ظهور مبارک ایشان، حرام و نهی شده است؟ روایت‌ها و عقل این را نفی می‌کند!!

او سپس به بررسی موضوع تعیین زمان ظهور می‌پردازد و می‌گوید:

حتی دشمنانمان از نزدیک بودن زمان ظهور آگاه هستند، در حالی که ما می‌خواهیم با دلایل واهی و نادرست، سر خود را مانند کبک زیر برف کنیم.

5. سید محمدعلی طباطبایی در *ماتتان و خمسون علامة*، زمان‌هایی را به عنوان سال ظهور مشخص کرده است و در فصل یازدهم آن گفته است: «این‌ها تنها می‌تواند یک احتمال باشد.»
6. سید حسین حجازی در کتابی با عنوان *إستعدوا فإنّ الظهور قریب* نوشته است:

بدون این‌که تاریخی برای فرج تعیین کنیم، با مطالعه این کتاب و پس از تأمل، اندیشه و درنگ به این نتیجه می‌رسیم که زمان ظهور نزدیک است و به طور دقیق‌تر باید بگوییم که حتی سالمندان ما هم باید آروزی دیدار مولایمان را در زمان حیات خود داشته باشند.

7. احمد عبدالله زکی عمیش در مصر، در *إنّ المهدي المنتظر علی قید الحیة*، 12 دلیل بر زنده بودن مهدی موعود اسلامی ذکر کرده است. همچنین وی گفته است مهدی حداکثر تا سال 1430 قمری خروج می‌کند.

8. بسام نهاد جراد نیز در فلسطین در کتابی به نام *زوال اسرائیل عام 2022 نبوءة أم صدف رقمیة* مسئله نابودی اسرائیل را در سال 2022 میلادی با ظهور امام مهدی علیه السلام مرتبط می‌داند.

مستندات توقیت‌کنندگان

با توجه به برخی از گزارش‌های فوق _ که مستند آن در دست بود _ می‌توان مستندات وقت‌گزاران را در موارد زیر جای داد:

روایات: همان‌طور که دیدیم، مستند برخی از این توقیت‌ها روایات فریقین در این‌باره است. توقیت سیوطی، ابن‌حجر هیتمی از میان اهل سنت، و از بین شیعیان وقت‌گزاران علامه مجلسی رحمته الله علیه^{۷۷} و صاحب *جواهر القوانین*^{۷۸} از این قرار است. روایات هزاره‌گرایانه و فتوای برخی از اهل سنت نیز _ که پیش‌تر ذکر شد _ در این بخش جای می‌گیرد.

علوم غریبه: یکی از این نمونه‌ها، مطلبی است که محمد بن پاینده ساوهای در *کتاب در*

التمام فی تاریخ خروج المهدي علیه السلام آورده است. وی می‌نویسد:

و رأيت في مفتاح جفر الكبير عن علي بن ابي طالب عليه السلام قال: من عرف سرَّ حرف الشين عرف ظهور المهدي. ^{٧٩}

کشف و شهود: از بهترین نمونه‌های آن، همان شعر معروف شاه نعمت‌الله ولی است که وی در شعر خود به این مطلب تصریح کرده است. ظاهراً باید مستند وقت‌گزاری دیگر عارف‌مسلکان را همین کشف و شهود معرفی کرد. گفتنی است بیان وقت از سوی این عارفان در قالب شعر به دست ما رسیده است. صاحب *جواهر القوانین* پس از بیان عدد مربوط به توقیت در شعر محیی‌الدین عربی در پاسخ این که از کجا معلوم است که مراد شاعر این بوده است، جواب می‌دهد: «شاید روح‌القدس به زبان او داده؛ چنان‌که به زبان حقیق‌ر داده که شرح کنم؛ والله اعلم!»^{٨٠}

اشعار: دربارهٔ برخی از اشعار به نظر می‌رسد سراینده، قصدی برای تعیین تاریخ ظهور امام زمان نداشته است و این دیگران هستند که این اشعار را دستاویزی برای توقیت‌هایشان قرار داده‌اند؛ مانند این بیت از تائیهٔ دعبل خزاعی که آن را برای امام رضا علیه السلام قرائت کرده است:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَّا مَحَالَهٗ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَی اسْمِ اللّٰهِ وَ الْبَرَكَاتِ ^{٨١}

چنان‌که در گزارش نیز دیدید، بیشتر توقیت‌ها در قالب شعر بیان شده بود. در این‌که مستند توقیت‌ها در شعر چیست، در بیشتر موارد می‌توان منابع اشعار را کشف و شهود دانست.^{٨٢}

خواب و رؤیا: وقت‌گزاری مرحوم محمدشریف رازی (م 1379 ش) از این دست است.

چرایی و انگیزهٔ توقیت

برای بحث دربارهٔ انگیزهٔ توقیت‌کنندگان به منابع و مستندات بیشتری نیاز است؛ با این حال، برخی از انگیزه‌ها برای تعیین زمان ظهور عبارتند از:

بحث روایی: برخی از توقیت‌کنندگان از آن‌جا که روایات و احادیثی در این باب یافته‌اند، انگیزه‌ای جز بحث و گفت‌وگوی روایی نداشته‌اند و در تبیین روایات مذکور مجبور به استخراج سال ظهور شده‌اند. در این قسمت می‌توان از علّامه مجلسی در میان شیعیان و سیوطی در میان اهل سنت نام برد. بررسی روایات متضمن بر وقت ظهور نیازمند بررسی سند و محتوای آن و از عهدهٔ این مقاله خارج است و باید در نوشتاری دیگر بررسی شود.

بشارت ظهور: برخی برای مؤذنه نزدیک شدن ظهور، از ابزار توقیت برای اقناع مخاطب به تطبیق و توقیت روی آورده‌اند. مانند وقت‌گزاری مرحوم محمدشریف رازی و موردی که در خاطره نویسنده کتاب *نشانه‌های یار و چکامه انتظار* آمده است.

حرام نبودن توقیت: برخی از وقت‌گزاران، ضمن حرام ندانستن توقیت، بیان وقت را امری نیکو می‌شمارند؛ از این‌رو دست به توقیت زده‌اند. مانند ماجد المهدی در فصلی از کتاب *بدء الحرب الأمريكية ضد الإمام المهدي* یا برخی از وقت‌گزاران زمان‌های اعلام شده را جزء توقیت‌های حرام ندانسته‌اند و به همین دلیل اقدام به تعیین وقت کرده‌اند.^{۸۳}

تطبیق منجر به توقیت: برخی از اشخاص با رویکرد تطبیق جریان‌ها و اشخاص عصر ظهور، ناخودآگاه در دام تعیین محدوده زمانی ظهور گرفتار می‌شوند.

رویارویی با توقیت‌کنندگان

متأسفانه تا کنون در منابع مهدوی درباره چگونگی رویارویی بزرگان، علما و ... درباره توقیت‌کنندگان (تأیید، تکذیب و ...) مطالب چشم‌گیری به دست نیامده است. یک نمونه از این یافته‌ها به مطالب محمد شفیع حسینی عاملی (زنده در سده دوازدهم) در *محافل المؤمنین* مربوط است. محمد شفیع عاملی در *محافل المؤمنین* چنین می‌نویسد:

و مخفی نماناد که توقیت آن حضرت به زمان معین منافی روایات کثیره داله است بر عدم معرفت احدی از مردمان به خصوص وقت او «و کذب الوقتون» ... و بعضی از جمله علما رسائل در این باب نوشته‌اند، و اتصال دولت صفویه را به ظهور حضرت صاحب‌العلو مذكور ساخته‌اند، خالی از چیزی نیست. و محققین اهل عرفان مثل شاه نعمت‌الله کرمانی و غیره در این باب به قصاید غراء پرداخته‌اند. قصیده من اوله الی آخره بیان می‌شود تا عارفان عاقل و عاقلان کامل که رسائل در باب توقیت آن حضرت پرداخته‌اند و به علوم ناقصه جفر و نجوم و رمل و غیرهم قائلند و اخباری که از خاندان نبوت و ولایت صادر شده حمل بر ظاهر می‌نمایند و یا آن که برای خود تاویل می‌کنند و از خبر «ان احادیثنا صعب و مستصعب» غافلند، پنبه غفلت از گوش کشیده، دانند که کارکنان علم غیب، حقیقت احوال را به مضمون «وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ»، «و ما یعلم الغیب الا هو»، کسی را از غیبت، از این کارگاه باخبر و به کلیات امور مستحضر نمی‌سازند. اگر بعضی به حدسی صائب برخورد، از مقوله گاه باشد که کودک نادان از غلط تیر بر نشانه زند.^{۸۴}

میرزا محمد هاشم (م سده 13) متخلص به آصف و ملقب به رستم الحکما در *رستم التواریخ* عبارت طنز آمیزی در رد نظریه اتصال دولت صفوی به دولت امام زمان علیه السلام و دولت آخرالزمانی بودن صفویه دارد:

چون آن جنت آرامگاهی به دلایل و براهین آیات قرآنی حکم های صریح نمود که سلسله جلیله ملوک صفویه، نسل بعد نسل به ظهور جناب قائم آل محمد خواهد رسید، از این احکام قوی دل شدند و تکیه بر این قول نمودند و سررشته مملکت داری را از دست رها نمودند.^{۸۵}

در سال های اخیر نیز پس تهیه و توزیع مستندی موسوم به «ظهور بسیار نزدیک است»، مراجع تقلید و بزرگان و مراکز علمی _ دینی به انتقاد از این مستند پرداختند و واکنش نشان دادند. از جمله این واکنش ها مطالبی است که در خبرگزاری ها از زبان آیت الله سیستانی موجود است. برخی از این سخنان چنین است:

توقیت ها و تطبیق ها برای نزدیک بودن ظهور حضرت حجت علیه السلام بسیار نگران کننده است و این مطالب عقاید مردم را هدف گرفته و باعث تضعیف اعتقادات جامعه می شود. ... چنین جریاناتی نباید در کشوری مانند ایران شکل بگیرد. یک روز شعیب بن صالح را به یک فرد و بار دیگر به فرد دیگری تطبیق می کنند. این مسائل نگران کننده است. ... مردم از این جریانات پرهیز کنند و مراقب باشند؛ چون این مطالب با عقاید آن ها بازی می کند و باعث تضعیف معتقداتشان می شود.^{۸۶}

نتیجه

صرف نظر از حکم شرعی توقیت و مشکلاتی که این وقت گذاری ها در جامعه مهودوی ایجاد می کند، باید گفت: وقت های مشخص شده به خوبی نشان می دهد که این وقت گذاری ها هیچ اعتباری ندارد؛ آن هایی که تاریخشان سپری شده، به وقوع نپیوسته و اعتبارشان بیش از پیش زیر سؤال رفته است؛ توقیت هایی نیز که هنوز زمانشان نرسیده، چون مدرک متقن و یقین آوری ندارند، حتی به اندازه احتمالی ضعیف نیز به شمار نمی آید و برای کسی نمی توانند حجت باشند.

از دیگر سو، از آن جا که در زمان ما رسانه ها از کارکرد بالایی برخوردارند و دشمنان اسلام _ به ویژه بدخواهان تشیع _ همه توان خود را به کار گرفته اند تا چهره اسلام و تشیع و مهودیت را

خدشه دار کنند، بر ماست که بهانه به دست آن‌ها ندهیم و اندیشه سترگ مهدویت را زیر تهمت و ابتذال رسانه‌ای آنان بی‌ارزش نگردانیم.

تنها وظیفه ما ترویج صحیح اندیشه مهدویت و ایجاد شوق و آمادگی عمومی برای ظهور آن حضرت با شیوه‌های شرعی، عاقلانه و درست است. باید مهدوی بیندیشیم و مهدی‌باور و مهدی‌یابور باشیم. اگر این‌گونه باشیم آن حضرت از ما خشنود خواهد شد. اگر در زمان ظهورش زنده باشیم به لطف حضرتش در رکاب او خواهیم بود و اگر زمان ظهور و حکومت را درک نکنیم، امید است در زمره رجعت‌کنندگان قرار گیریم. کسی که امامش را خوب بشناسد و به وظیفه خود عمل کند، پیروز خواهد و در این سودا پیشاپیش برنده است. امام صادق علیه السلام به زراره فرمود:

اغْرِفْ إِمَامَكَ، فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ؛^{۸۷}

امامت را بشناس؛ زیرا هر گاه او را شناختی این کار (ظهور) چه زود اتفاق بیفتد و چه تأخیر شود به تو ضرری نخواهد رساند.

همچنین فضیل بن یسار می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»^{۸۸}

پرسیدم؛ فرمود:

اغْرِفْ إِمَامَكَ، فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ، وَ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ، لَأ، بَلْ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لُؤَائِهِ؛^{۸۹}

امامت را بشناس؛ زیرا هر گاه او را شناختی این کار (ظهور) چه زود اتفاق بیفتد و چه تأخیر شود به تو ضرری نخواهد رساند. هر کس امامش را بشناسد و پیش از این که صاحب این امر قیام کند بمیرد، مانند آن است که در سپاه قائم باشد، نه، بلکه مانند آن است که زیر پرچم قائم باشد.

امام جواد علیه السلام درباره وجوب انتظار امام زمان علیه السلام در زمان غیبت و اطاعت وی در زمان ظهور و حضور، خطاب به عبدالعظیم حسنی می‌فرماید:

الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُتَنَظَّرَ فِي غَيْبَتِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي؛^{۹۰}

مهدی کسی است که به انتظار او ماندن واجب است و او کسی است که در زمان ظهورش اطاعت می‌شود و او سومین از فرزندان من است.

منابع

1. *إلزام الناصب في إثبات الحجّة الغائب*، على بن زين العابدين حائري يزدي، تحقيق: على عاشور، بيروت، مؤسسة الأعلمی، چاپ اول، 1422ق.
2. *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، محمد باقر بن محمدتقی مجلسی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، 1403ق.
3. «بهار بی خزان؛ کتاب شناسی و نسخه شناسی آثار مهدوی علامه بهاری»، احمد رنجبری حیدر باغی، پژوهش های مهدوی، سال اول، ش 1، تابستان 1390ش.
4. «پایان تاریخ از دیدگاه اهل سنت»، رسول رضوی، مشرق موعود، سال اول، ش 2، تابستان 1386ش.
5. *پرواز روح*، سید حسن ابطحی، قم، انتشارات ندای مصلح، چاپ اول، 1383ش.
6. *تاریخ پس از ظهور*، سید محمد صدر، ترجمه: حسن سجادی پور، تهران، انتشارات موعود عصر ع، 1384ش.
7. *تباشیر المحرورین*، شیخ محمد واعظ یزدی حائری، کربلا، مطبعة حسینی، چاپ دوم (سنگی)، 1332ق.
8. *تحقیقات ادبی یا سخنانی پیرامون شعر و شاعری*، کیوان سمیعی، تهران، انتشارات زوار، چاپ اول، 1361ش.
9. *جواهر القوانین*، محمد باقر بن اسماعیل سیرجانی یزدی کرمانی، چاپ سنگی، 1334ق.
10. «چرا [از اعلام] زمان ظهور نهی شده است؟»، مجتبی السادة، ترجمه: سید شاهپور حسینی، ماهنامه موعود، سال چهاردهم، ش 109، 1388ش.
11. *الحاوی للفتاوی*، جلال الدین السیوطی، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر، 1424ق/ 2004م.
12. «در محضر حضرت آیه الله العظمی تبریزی»، فصل نامه انتظار، سال دوم، ش 5، تابستان 1381ش.
13. *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*، محمدحسن (آقابرگ) تهرانی، قم، اسماعیلیان _ تهران،

- کتابخانه اسلامی، 1408ق.
14. «رساله مبشره شاهیه در اثبات ظهور مهدی علیه السلام در سال 963»، به کوشش رسول جعفریان، فصل نامه پیام بهارستان، سال چهارم، ش 16، تابستان 1391ش.
 15. رستم التواریخ، محمدهاشم آصف، تصحیح: میترا مهرآبادی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ دوم، 1388ش.
 16. روح مجرد؛ یادنامه موحد عظیم و عارف کبیر حاج سید هاشم موسوی حداد، سید محمد حسین حسینی طهرانی، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، 1425ق.
 17. سر الفتوح (ناظر بر پرواز روح)، سید محمدحسین حسینی طهرانی، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، 1433ق.
 18. شاه ولی و دعوی مهدویت (به ضمیمه رساله مهدیه از همان عارف)، حمید فرزام، اصفهان، دانشگاه اصفهان و فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ دوم، 1381ش.
 19. شرح الکافی (الأصول و الروضة)، ملّا صالح مازندرانی، تصحیح و تعلیق: میرزا ابو الحسن شعرانی، چاپ اول، تهران، المكتبة الإسلامية، 1382ق.
 20. شناخت نامه علامه سید عبدالهادی حسینی دلجانی، سید محمود مرعشی، قم، انتشارات کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول، 1386ش / 1428ق.
 21. صراط النجاة فی اجوبة الاستفتائات، ابوالقاسم خویی، تعلیق: جواد تبریزی، قم، دفتر نشر برگزیده، 1416ق.
 22. العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان علیه السلام علی اکبر نهبانندی، قم، مسجد مقدس جمکران، 1388ش.
 23. عنقاء مغرب فی ختم الاولیاء و شمس المغرب، محیی الدین بن عربی، تحقیق: بهنساوی احمد السید الشریف، مصر، المكتبة الازهریة للتراث، چاپ اول، بی تا.
 24. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال (فی احوال الامام الحجة علیه السلام)، شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی، تحقیق: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام مستدرکات: سید محمدباقر بن مرتضی موسوس موحد ابطحی اصفهانی، قم، انتشارات عطر عترت، چاپ اول، 1390ش / 1432ق.
 25. الغیبة للحجة، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم،

- بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول، 1411ق.
26. *الفتن*، نعیم بن حمّاد مروزی، تحقیق: سمیر بن امین زهیری، قاهره، مکتبه التوحید، چاپ اول، 1412ق.
27. *فهرستگان نسخه‌های خطی (حدیث و علوم حدیث شیعہ)*، علی صدراپی خوبی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، 1389ش.
28. *فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، 1348ش.
29. *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه غرب - مدرسه آخوند همدانی*، جواد مقصود همدانی، تهران، چاپخانه آذین، 1356ش.
30. *فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی*، سید محمود مرعشی و همکاران، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی، چاپ اول، 1382ش.
31. *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*، عبدالحسین حائری، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، 1378ش.
32. *فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی*، سید احمد حسینی اشکوری، قم، وزیری، چاپ اول، 1384ش / 1426ق.
33. *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم*، رضا استادی، قم، چاپخانه مهر، چاپ اول، 1396ق.
34. *القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر*، ابن حجر الهیثمی، تحقیق: مصطفی عاشور، قاهره، مکتبه القرآن، 1987م.
35. *الکافی*، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، تحقیق: دارالحدیث، قم، سازمان چاپ و نشر مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول، 1429ق.
36. *کتاب الغیبه*، محمد بن ابراهیم نعمانی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، 1397ق.
37. *کمال الدین و تمام النعمه*، محمد بن علی بن بابویه صدوق، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، 1395ق.

38. گنجینه دانشمندان، محمدشریف رازی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول، 1352ش.
39. محافل المؤمنین فی ذیل مجالس المؤمنین، محمدشفیع بن بهاءالدین حسینی عاملی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، 1382ش.
40. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الکتب اسلامی، چاپ دوم، 1404ق.
41. معجم أحادیث الإمام المهدي علیه السلام، هیئت علمی بنیاد معارف اسلامی، قم، انتشارات بنیاد معارف اسلامی و مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، 1428ق.
42. معجم التاريخ التراث الإسلامی فی مکتبات العالم، علی‌رضا قره‌بلوط و احمد طوران قره‌بلوط، ترکیه، بی‌نا، چاپ اول، 2005م.
43. مکیال المکارم، سید محمدتقی موسوی اصفهانی، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، اصفهان، انتشارات مهر قائم اصفهان، چاپ اول، 1383ش.
44. مهدیان دروغین، رسول جعفریان، پیش از انتشار.
45. میراث محدث ارموی (آثاری چند درباره دعای ندبه)، به اهتمام سید جعفر اشکوری، قم، سازمان چاپ و نشر مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول، 1385ش.
46. نجم الثاقب فی احوال الامام الحجة الغائب علیه السلام، حسین بن محمدتقی نوری، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، بی‌تا.
47. نشانه‌های یار و چکامه انتظار، مهدی علی‌زاده، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، 1379ش.
48. نظریه اتصال دولت صفویه با دولت صاحب الزمان علیه السلام، رسول جعفریان، تهران، نشر علم، چاپ اول، 1391ش.
49. النجعة فی شرح اللمعة، محمدتقی شوشتری، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، 1369ش.
50. وقت ظهور، عبدالحسین حاجی ابوالحسنی، قم، انتشارات ابوالحسنی، چاپ اول، 1390ش.
51. ینایع المودة لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم قندوزی، تحقیق: علی جمال اشرف

حسينى، تهران، دارالاسوة للطباعة و النشر، چاپ اول، 1416ق.

- ^۱. الکافی، ج 1، ص 368، ح 3؛ کتاب الغیبة، ص 294، ح 12.
- ^۲. الغیبة للحجة، ص 426.
- ^۳. الکافی، ج 1، ص 368، ح 2؛ کتاب الغیبة، ص 294، ح 11؛ الغیبة للحجة، ص 426.
- ^۴. الغیبة للحجة، ص 426.
- ^۵. الکافی، ج 1، ص 369، ح 6.
- ^۶. همان، ص 368، ح 5؛ تفسیر العیاشی، ج 2، ص 26، ح 70.
- ^۷. الکافی، ج 2، ص 241.
- عَلَّامَهُ مَجْلِسِی دَر مَرَّاتِ الْعُقُولِ، ج 4، ص 170 در شرح ابن فقره نوشته: «أی لظهور القائم علیه السلام و کَانَ المراد بالکراهیة الحرمة إن کان من غیر علم.»
- عَلَّامَهُ شَوْشْتَرِی نَبِی دَر النجعة فی شرح اللمعة، ج 4، ص 223 (بخش کتاب الصیام)، چنین عبارتی را آورده است: «و قال (فی باب آخر فی الحجَّة علیه السلام): باب کراهیة التَّوْقِیة، مع محظوریة تعیین الوقت لخروجه _ علیه السلام _ و لَانْ أَخْبَاراً رَوَاهَا فِی الْبَابِ ظَاهِرَةً فِی الْحَرْمَةِ.»
- همچنین ملّا صالح مازندارنی هم در شرح الکافی، ج 6، ص 314 می نویسد: «باب کراهیة التَّوْقِیة، ای کراهیة تعیین الوقت لظهور هذا الامر و صاحبه و حمل الكراهة على الظاهر ظاهر و على التحريم فمحمّل.»
- ^۸. کتاب الغیبة، ص 288.
- ^۹. الغیبة للحجة، ص 425. عنوان مذکور توسط محققان کتاب در بین قَلَّاب آمده است. شیخ طوسی پیش از روایات نهی از تعیین وقت، نوشته‌ای بدین شرح دارد: «و اما وقت خروجه _ علیه السلام _ فلیس بمعلوم لنا علی وجه التفصیل بل هو مغیب عنا الی أن یأذن الله بالفرج.»
- ^{۱۰}. الوافی، ج 2، ص 426.
- ^{۱۱}. بحار الانوار، ج 52، ص 101.
- ^{۱۲}. عوالم العلوم و المعارف (فی أحوال الامام الحجة علیه السلام)، ج 3، ص 97 - 125.
- ^{۱۳}. العبقری الحسان، ج 7، ص 23 - 60. نهاوندی در عبقریة سوم در همین جلد، ص 93 - 94 پنج مورد برای حکمت ترک توقیت ظهور بیان می کند.
- ^{۱۴}. مکیال المکارم، ج 2، ص 458 - 491.
- ^{۱۵}. تاریخ پس از ظهور، ص 53 - 60.
- ^{۱۶}. وقت: مقداری از زمان که برای کاری معین شده است (فاموس قرآن، ج 7، ص 232).
- فیومی در مصباح می گوید: «الوقت: مقدار من الزمان مفروض لامر ما.»
- «قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»؛ گفت تو از مهلت‌شدگانی تا روز وقت معلوم که قیامت باشد (سوره حجر، آیه 37 - 38).

۱۷. «فالتَّوْقِيْتُ وَ التَّأْقِيْتُ: أَنْ يُجْعَلَ لِلشَّيْءِ وَقْتُ يَخْتَصُّ بِهِ، وَ هُوَ بَيَانٌ مَقْدَارُ المُدَّةِ. وَ تقول: وَقَّتَ الشَّيْءُ يُوقِّتُهُ.» (لسان العرب، ج 2، ص 108).
- در مجمع البحرین، ج 2، ص 228 آمده است: «الموقوت: المحدود بأوقات معينة، يقال وقته فهو موقوت: إذا بین للفعل وقته يفعل فيه. و التوقيت للشئء مثله. قوله: ﴿وَ إِذَا الرُّسُلُ أَقَّتَتْ﴾.»
۱۸. «وَ إِذَا الرُّسُلُ أَقَّتَتْ﴾؛ «وَ أَنْ گاه که پیمبران به میقات آیند.» (سوره مرسلات، آیه 11) أَقَّتَتْ: قلبت فيه الواو همزة، أصله وَقَّتَتْ، فلما ضُمَّت الواو قلبت إلى الهمزة لحمل الحركة (الجدول فی اعراب القرآن، ج 29، ص 200).
۱۹. وَقَّتَهُ يَقْتُهُ إِذَا بَيَّنَّ حَدَّهُ (لسان العرب، ج 2، ص 108).
- وَقَّتَهُ: وقتی برای آن گذاشت، زمانی برای آن تعیین کرد (المعجم الوسيط، ماده وقت).
۲۰. نک: الإنصاف فی مسائل دام فیها الخلاف، ج 1، ص 114؛ ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة، ج 2، ص 330. برای اطلاع بیشتر می توانید از جست و جوی لفظی برنامه کامپیوتری «جامع فقه اهل البیت» استفاده نمایید.
۲۱. به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است: «كَذَبَ المَوْقُوتُونَ مَا وَقَّتْنَا فِيمَا مَضَى وَ لَا نُوقَّتُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ» (الغیبة للحجة، ص 426).
۲۲. الذریعة، ج 2، ص 17.
۲۳. مؤلف در مقدمه کتاب چنین می نگارد: «برخی از ابنای زمان، بلکه طلاب، اقدام به تعیین زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام می نمایند، در حالی که هیچ سند محکمی در دست ندارند.» آن گاه مؤلف درصدد تصحیح اعتقاد مردم برآمده، مطالب کتاب را در پیش می گیرد (نک: «بهار بی خزان»، ص 218؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج 31، ص 236؛ میراث شهاب، ش 13، ص 5).
۲۴. فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج 31، ص 236؛ میراث شهاب، ش 13، ص 5.
۲۵. الذریعة، ج 2، ص 499؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج 31، ص 237؛ میراث شهاب، ش 13، ص 5؛ «بهار بی خزان»، ص 214.
۲۶. در فهرست آیت الله مرعشی، ج 31، ص 180، نام این رساله توسط فهرست نگار محترم تکلیف زمان غیبت حضرت مهدی (صلوات الله علیه) تعیین شده است که این نام هیچ تناسبی با محتوای آن ندارد.
۲۷. از این مؤلف اثری با نام الدر و المرجان فی تفسیر الایمان به فارسی در دسترس است (نک: فهرست نسخه های خطی مدرسه فیضیه، ج 2، ص 160). برای اطلاع بیشتر از احوال و آثار وی نک: شناخت نامه علامه سید عبدالهادی حسینی دلجانی.
۲۸. فهرست نسخه های خطی مدرسه فیضیه قم، ج 2، ص 160.
۲۹. فهرست نسخه های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج 7، ص 396 - 398.
۳۰. فهرست کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ج 23/2، ص 593 - 595.
۳۱. فهرست نسخه های خطی کتابخانه غرب - مدرسه آخوند همدانی، ص 1551.
۳۲. وقت ظهور، ص 66 - 67.
۳۳. روح مجرد، ص 516 - 517.

- ^{۳۴}. جواهر القوانین، ص 65.
- ^{۳۵}. ینابیع المودة لذوی القربی، ج 3، ص 338. قندوزی پیش از درج شعر وی چنین نوشته است: «قال الشيخ محیی الدین العربی _ قدس الله سره و أفاض فیوضاته و فتوحاته _ فی کتابه عنقاء المغرب فی بیان المهدی الموعود و وزرائه.» ابیات فوق با آن چه در عنقاء المغرب، ص 10 آمده کمی متفاوت بوده و نیازمند بررسی بیشتر و بذل دقت‌های نسخه‌شناسانه است.
- ^{۳۶}. سیرجانی در جواهر القوانین از همین رباعی سه تاریخ بدین شرح استخراج کرده است: خروج مهدی در 1338 و نابودی دجال و اصحابش در 1336 و 1337.
- ^{۳۷}. میراث محدث ارموی، ص 143
- ^{۳۸}. معجم التاریخ التراث الاسلامی، ج 4، ص 2608، اثر پانزدهم؛ الذریعة، ج 23، ص 290.
- ^{۳۹}. میکروفیلیمی از این نسخه در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است (نک: فهرست میکروفیلم‌های دانشگاه تهران، ج 1، ص 578).
- ^{۴۰}. این ترجمه با نام علامات المهدی به شماره 13212/12 در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است (نک: فهرست آیت الله مرعشی، ج 33، ص 395).
- ^{۴۱}. دو نسخه دیگر عبارتند از: نسخه شماره 1883 در عثمان ارگین (معجم التاریخ التراث الاسلامی، ج 4، ص 2608، اثر پانزدهم) و دیگری ضمن مجموعه شماره 43100 در کتابخانه سلیمانیه، بخش محمود افندی (کتابنامه امام مهدی، ج 2، ص 526). نسخه شماره 1883 ظاهراً به عربی است، ولی زبان نسخه اخیر معلوم نیست.
- ^{۴۲}. از شاه نعمت‌الله ولی، اثری به نام رساله مهدیه به فارسی به نظم و نثر موجود است. احتمال دارد شاه نعمت‌الله ولی این اثر را برای تحاشی و تبری از دعوی مهدویت نگاشته باشد؛ زیرا وی به صراحت خود را ولی می‌دانست. سبک او در پرداختن به موضوع مهدویت در این اثر به روش اهل سنت و جماعت است.
- ^{۴۳}. تحقیقات ادبی، ص 290.
- ^{۴۴}. همان، ص 290 - 291.
- ^{۴۵}. برای اطلاع از برخی این تقلب، تغییر و تبدیل‌ها، نک: همان، ص 292 - 294.
- ^{۴۶}. نک: الکشف عن مجاوزة هذه الأمة الألف، ص 104 - 111. این رساله ضمن الحاوی للفتاوی به چاپ رسیده است.
- ^{۴۷}. «پایان تاریخ از دیدگاه اهل سنت»، ص 103.
- ^{۴۸}. نسخه شماره 8869 موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. (نک: مهدیان دروغین، ص 159 - 160)
- ^{۴۹}. «رساله مبشره شاهیه در اثبات ظهور مهدی علیه السلام در سال 963»، فصلنامه پیام بهارستان، ش 16.
- ^{۵۰}. القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، الباب الثالث: فیما جاء فیہ عن التابعین وتابعیهم، مورد 14، ص 59.
- ^{۵۱}. الفتن، ج 1، ص 334، ح 962.
- ^{۵۲}. این رساله در فهرست‌نویسی از دید فهرست‌نگار دور مانده و در فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه معرفی نشده است.
- ^{۵۳}. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم، ج 4، ص 259 - 262.

^{۵۴}. در اصل به صورت مرفوع ضبط شده است. در این رساله و دیگر موارد در مقاله با ضعف‌های ادبی در نقل‌ها مواجه خواهیم شد که این‌گونه موارد بدون دخل و تصرف عیناً نقل شده است.

^{۵۵}. برای آگاهی بیشتر نک: نظریه اتصال دولت صفویه با دولت صاحب‌الزمان علیه السلام.

^{۵۶}. برای اطلاع از نسخه‌های خطی این کتاب نک: فهرستگان نسخه‌های خطی (حدیث و علوم حدیث شیعه)، ج 4، ص 93.

^{۵۷}. رجعت، ص 50.

^{۵۸}. همان، ص 64.

^{۵۹}. همان، ص 73.

^{۶۰}. الذریعة، ج 5، ص 275. مؤلف کتابش را به صورت سؤال و جواب تنظیم کرده و آن را در چهل قانون و هر قانون مشتمل بر سؤالات متعدد سامان داده است. بسیاری از مطالب این کتاب در العبقری الحسان، ج 7، ص 36 - 54 عیناً نقل شده است. نویسنده مقاله حاضر در این گزارش به متن چاپ سنگی هم استناد کرده است.

^{۶۱}. ایشان پس از استخراج این تاریخ می نویسد: «و جهت اختلاف شاید سرّی دارد که درست معین نباشد، مثل این‌که بگوییم از سنه 1335 تا سنه 1338 ظهور خواهد فرمود؛ تعیین وقتی هم نکرده‌ایم که فلان ساعت و روز و سال ظهور می‌فرماید تا مستوجب تکذیب باشیم؛ زیرا با این‌که بگوییم امید داریم که از سال 1335 تا 1338 ظهور خواهد فرمود، اگر کسی بگوید: کی ظهور می‌فرماید؟ گوییم: نمی‌دانم، به او وقتی معین نکرده‌ام.» (جواهر القوانین، ص 60 - 61)

^{۶۲}. مؤلف پس از استخراج این تاریخ‌ها می‌نویسد: «پس ان‌شاءالله بعد از 1335 و قبل از 1338 منتظر و امیدوار فرج امام زمان باشید. اگر حقیر زنده نماندم، سلام من را به آن حضرت برسانید و پای او را از جانب من بوسه زنید و معروض دارید که غلام شما محمدباقر امیدوار بود که در حضور مبارک خدمت‌ها کند تا در رکاب ظفر انتساب شما جام شهادت نوشد. اگر رأی مبارک اقتضا فرماید او و والد او را زنده فرمایید و قلب آن‌ها را در دوستی خود محکم فرمایید و حوایج آن‌ها را برآورید. چون نیک نظر کنی همان (1336) است.» (جواهر القوانین، ص 72)

^{۶۳}. نک: جواهر القوانین، ص 48 - 78.

^{۶۴}. همان، ص 78.

^{۶۵}. بر اساس آنچه روی صفحه اول آمده، این لقب از سوی حضرت حجت علیه السلام به مؤلف داده شده است: «الملقب من ناحیه الامام علیه السلام».

^{۶۶}. تباشیر المحرورین، ص 5 - 7.

^{۶۷}. میراث محدث ارموی، ص 144 - 145.

^{۶۸}. وبگاه رسول جعفریان؛ میراث محدث ارموی، ص 143.

^{۶۹}. میراث محدث ارموی، ص 143. از این مؤلف در حوزه مهدویت و علایم ظهور، کتاب جراید سبعة نیز در دست است.

^{۷۰}. العبقری الحسان، ج 7، ص 36.

^{۷۱}. سر الفتوح ناظر بر پرواز روح، ص 92 - 93.

^{۷۲}. برای اطلاع از اندیشه‌های مؤلف درباره برخی از علایم ظهور، تطبیق اشخاص و وقایع و... نک: گنجینه دانشمندان، ج 8، ص 398 - 400 و 407 - 408 و ج 9، ص 293 - 294: آثار الحجة، ج 1، ص 17 - 18.

^{۷۳}. پرواز روح، ص 213 - 214.

^{۷۴}. نشانه‌های یار و چکامه انتظار، ص 78 - 80.

^{۷۵}. «در محضر حضرت آیه الله العظمی تبریزی»، فصل نامه انتظار، ش 5.

^{۷۶}. «چرا [از اعلام] زمان ظهور نهی شده است؟»، ماهنامه موعود، ص 34 - 37.

^{۷۷}. أَبُو لَبِيدٍ الْمَخْزُومِيُّ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: يَا بَا لَبِيدُ! إِنَّهُ يَمْلِكُ مِنْ وُلْدِ الْعَبَّاسِ اثْنَا عَشَرَ تَقْتُلُ بَعْدَ الثَّامِنِ مِنْهُمْ أَرْبَعَةَ تَسْبِيبُ أَحَدَهُمُ الدُّبْحَةَ فَيَذْبُحُهَا هُمْ فَتَهُ قَصِيرَةٌ أَعْمَارُهُمْ قَلِيلَةٌ مَدَّتَّهُمْ حَبِيبَةٌ سَبَّرَتْهُمْ مِنْهُمْ الْفُوتَيْقُ الْمَلْقَبُ بِالْهَادِي وَ النَّاطِقُ وَ النَّوْطِيُّ. يَا بَا لَبِيدُ! إِنَّ فِي حُرُوفِ الْقُرْآنِ الْمُقْطَعَةَ لِعِلْمًا جَمًّا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ «الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ» فَقَامَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله حَتَّى ظَهَرَ نُورُهُ وَ تَبَيَّنَتْ كَلِمَتُهُ وَ وُلِدَ يَوْمَ وُلِدَ وَ قَدْ مَضَى مِنَ الْأَلْفِ السَّابِعِ مِائَةَ سَنَةً وَ ثَلَاثَ سِنِينَ، ثُمَّ قَالَ: وَ تَبَيَّنَتْ فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي الْحُرُوفِ الْمُقْطَعَةِ إِذَا عَدَدْتَهَا مِنْ غَيْرِ تَكَرَّرَ وَ لَيْسَ مِنْ حُرُوفِ مُقْطَعَةٍ حَرْفٌ يَنْقُضِي إِلَّا وَ قِيَامٌ قَائِمٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ عِنْدَ انْقِضَائِهِ، ثُمَّ قَالَ: الْأَلْفُ وَاحِدٌ وَ النَّامُ ثَلَاثُونَ وَ الْمِيمُ أَرْبَعُونَ وَ الصَّادُ تِسْعُونَ فَذَلِكَ مِائَةٌ وَ إِحْدَى وَ سِتُونَ ثُمَّ كَانَ بَدُوُ خُرُوجِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام «الْم اللَّهُ» فَلَمَّا بَلَغَتْ مَدَّتُهُ قَامَ قَائِمٌ وَ وُلِدَ الْعَبَّاسُ عِنْدَ الْمَصِّ وَ يَقُومُ قَائِمًا عِنْدَ انْقِضَائِهَا بِ «الر» فَافْهَمُ ذَلِكَ وَ عِهِ وَ اَكْتَمَهُ. (بحار الأنوار، ج 52، ص 106 به نقل از تفسیر عیاشی؛ رجعت، ص 69 - 70)

^{۷۸}. این حدیث به صورت وجاده نقل شده است: قَدْ صَعِدْنَا ذُرَى الْحَقَائِقِ بِأَقْدَامِ النُّبُوَّةِ وَ الْوَلَايَةِ وَ سَافَهُ إِلَى أَنْ قَالَ وَ سَيَسْفِرُ لَهُمْ يَنَابِيعُ الْحَيَوَانَ بَعْدَ لَطَى النَّبْرَانِ لِتَمَامِ «الْم» وَ «طه» وَ الطَّوَالِسِينَ مِنَ السَّنِينَ. (بحار الأنوار، ج 52، ص 121 به نقل از المحتضر)

^{۷۹}. برای اطلاعات بیشتر نک: نسخه خطی در التمام فی تاریخ خروج المهدي عليه السلام موجود در کتابخانه مسجد اعظم.

^{۸۰}. العبقري الحسان، ج 7، ص 49.

^{۸۱}. همان، ج 7، ص 48؛ نجم الثاقب، ص 714.

^{۸۲}. سلیمان قندوزی در باب هشتاد و چهارم بنایع المودة لدوی القربی به ذکر اشعاری با عنوان «فی ایراد اقوال أهل الله من أصحاب الشهود و الكشوف و علماء الحروف فی بیان المهدي الموعود عليه السلام»

^{۸۳}. برای نمونه و اطلاع بیشتر، نک: صراط النجاة فی اجوبة الاستفتانات، ج 1، ص 464.

^{۸۴}. محافل المؤمنین، ص 33 - 34.

^{۸۵}. رستم التواریخ، ص 98.

^{۸۶}. «انتقاد آیت الله سیستانی از "ظهور نزدیک است"»، وبسایت خبری www.tabnak.ir، 1390/1/15.

^{۸۷}. الکافی، ج 2، ص 249، بَابُ أَنَّهُ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ، ح 1.

^{۸۸}. سورة اسراء، آیه 71.

^{۸۹}. الکافی، ج 2، ص 250، ح 2.

^{۹۰}. کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 376.